

حوا مادر زندگان

نوشته شهناز منصوری

ویرایش مژده شیروانیان

کتاب مقدس از همان ابتدا ما را با خدای زنده روپرو می‌گرداند که بدون کمترین ابهامی دارای شخصیت است. این خالق مقتدر، بر هر آنچه خلق نموده حاکم است. او خود را مکشوف می‌سازد. صحبت می‌کند، فرمان می‌دهد، خلق می‌کند و بالاتر از همه با انسان‌ها عهد می‌بندد و با دمیدن روحش بر انسان به او موجودیت می‌بخشد. پس او خدایی دور نیست بلکه خدای است زنده و نزدیک.

این خدای زنده و نزدیک، زن را چگونه آفرید و زن و مرد امروزی از زندگی حوا چه می‌آموزند؟

زن به صورت خدا آفریده شد

در کتاب پیدایش ۱: ۲۷-۲۸ چنین می‌خوانیم: «پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را زن و ماده آفرید و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و هم حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید.

با توجه به این آیات می‌بینیم که "حوا" به صورت خدا آفریده شد. هم زن و هم مرد در این کاملیت آفریده شدند، شبیه خدا.

کلام خدا انسان را چنین به تصویر می‌کشد: شبیه خدا و حاکم بر موجودات. پس انسان موجودی است اجتماعی که برای مشارکت خلق شده و لازم بود که این انسان مذکر و مؤنث خلق شود برای مشارکت با یکدیگر و با خالق خود.

زن (همچون مرد) موجودی اجتماعی است که برای مشارکت خلق شد.

در باب ۲ پیدایش، آیات ۲۱-۲۳ چنین می‌خوانیم: «خداوند خدا، خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت، و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد.»

از مفسر کتاب مقدس در دانشگاه الهیات نیوجرسی بنام هنری متیو چنین نقل شده است:

«خدا این استخوان را از پهلوی آدم گرفت، نزدیک بازوی او و نزدیک قلب او. نزدیک بازوی او که مرد از او محافظت کند و نزدیک قلب او که به او عشق بورزد و او را دوست بدارد. این استخوان از سر مرد گرفته نشد تا زن به او فرمانروایی کند و نه از پای او که میباید او را پامال کند.»

پس هدف خدا این بود که زن بار و یاور مرد باشد. دوست بدارد و دوست داشته شود. با وجودیکه می‌بینیم که خدا مرد را اول آفرید و زن را پس از او، با این حال زن را خلقت دست دوم بحساب نیاورد که چیزی کمتر برای او در نظر گرفته باشد بلکه همان روح را که در آدم دمید در زن هم دمید و به هر دو یک مأموریت داد. زیبایی کار خدا در این بود که زن را از جنس مرد آفرید؛ آنها می‌توانستند یکدیگر را درک کنند، با یکدیگر مصاحبت داشته باشند و مشترکاً مأموریت خدا را انجام دهند.

با وجود این که زن پس از مرد خلق شد اما در نقش آفرینش خدا او جایگاه منحصر به فرد خود را داشت. در حقیقت همان‌طور که پولس در ۱ قرنتیان ۱۱: ۱۱ و ۱۲ می‌گوید: «زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند. زیرا چنانکه زن از مرد است همچنین مرد نیز به وسیله زن، لیکن همه چیز از خدا.»

زن (همچون مرد) با اراد آزاد آفریده شد. اما گناه ...

در باب ۳ پیدایش می‌بینیم که چگونه دشمن این خلقت در کمین بود و چگونه مصیبت گناه گریبان‌گیر انسان شد.

هنگامی که شیطان در قالب مار در صدد فریب زن بود، چه چیز باعث سقوط زن می‌شود؟ درست است که او نمی‌دانست مار همان "شیطان" است، ولی این را می‌دانست که او نیز مخلوق است. پس به جای این که خالقش را اطاعت کند از مخلوق اطاعت کرد. مخلوقی که تمام سعی‌اش این بود که غرور و تکبر زن را تقویت کند. و این زن بود که به آنچه خدا به او داده بود

اكتفا نکرد و خواست که عارفتر و داناتر از خدا شود.

متأسفانه بسیاری از مسیحیان بحث‌های زیادی را به این اختصاص داده‌اند که چگونه زن باعث ورود گناه به جهان شد و او بود که باعث لغزش مرد شد. این مباحث نه تنها درد و مصیبت گناه را کم نمی‌کند بلکه برعکس وسیله‌ای برای تحقیر زنان شده است و بر این نکته نیز سرپوش می‌گذارد که ضعف زن در پیروی از مخلوق به‌جای خالق، درست همان ضعف مرد بود.

شاید مرد در زمان صحبت مار با زن در آنجا بود چون می‌بینیم که در این مکالمات ضمیر جمع بکار می‌رود اما شاید هم آنجا نبود و زن و مردی که برای مشارکت با هم ساخته شده بودند در مقابل وسوسه و شرایط دشوار، خود را تنها می‌بینند. اما حقیقت امر در این است که مرد هم تحت فشار و جبر نبود او حق انتخاب داشت ولی آدم هم به‌جای این‌که از خالق پیروی کند، مخلوق را پیروی کرد. پس در گناه افتادن به جنسیت بستگی ندارد. خالق به هر دوی آنها آموخت که بطرف شرارت نروند و او را پیروی کنند ولی آنها با ناطاعتی، خدا را از جایگاه اول زندگی خود پایین کشیدند و خواست □ خود را جایگزین کردند و به این ترتیب بدبختی و مصیبت گریبانگیر آنان شد.

اما یکی از نتایج گناه در رابطه □ زن و مرد چه بود؟ این دو که با هم دوست و یار و یاور بودند اکنون دیگر اعتماد بین آنها از هم گسسته شده بود و مرد بجای این‌که زن را معاونی موافق خود ببیند همواره در پی این بود که برتری خود را به زن ثابت کند و بر زن خود ریاست و حکومت کند.

در پی گناه، مرگ و سختی و الم وارد جهان شد و طبیعتاً "زن" هم از درگیری با این درد و رنج مستثنی نبود.

اما با وجود گناه "حوا" و شکست‌ها و رنج‌های زندگیش از این زن چه می‌توان آموخت؟

"حوا" زنی بود که به‌کار خدا در زندگیش معترف بود

در پیدایش باب چهارم آیه ۱ می‌خوانیم که هنگامی که حوا قائلن را به‌دنیا می‌آورد با نامی که برای او انتخاب می‌کند به‌کار خدا در زندگیش اعتراف و اقرار می‌کند: "مردی از بیهوشی حاصل نمودم". در حقیقت حوا می‌دانست که با وجود همه قصورات و بی‌وفایی‌هایش خدا او را ترک نکرده و حیات و زندگی خود و فرزندش را مدیون خدا می‌دانست.

کعبودهای روحانی حوا هر چه بود دید او را از قدرت خداوندش باز نداشت و شاید بتوان به جرأت گفت که حوا با تجربه روحانی منفی‌ای که داشت درس‌های مثبتی آموخت.

او یاد گرفت که در ضعف‌های اوست که قدرت خدا نشان داده می‌شود و به‌جای این‌که به گذشته بچسبد و دائم به قصوراتش فکر کند، به اعمال و کارهای خدایی فکر کند که نقشه‌هایش با شکست مواجه نمی‌شود و در زندگی شکست خورده او هم هنوز مشغول کار است.

"حوا" به فیض خدا ایمان داشت

هنگامی که حوا شیث را به دنیا می‌آورد می‌گوید: «خدا نسلی دیگر به من قرار داد به عوض هابیل که قائلن او را کشت» (پیدایش ۴:۲۵). برای یک مادر مصیبتی بزرگتر از این وجود ندارد که مرگ فرزندش را ببیند و حتماً حوا هم از این قائلن مستثنی نبود اما درد او از یک مادر داغ‌دیده عمیق‌تر بود چرا که یک فرزندش قائلن فرزند دیگرش بود! یک مادر چطور می‌تواند این را تحمل کند؟ تلخی و کلافگی و غصه چه آسان می‌تواند در وجود این زن رخنه کند به‌طوریکه جز مرگ چیزی او را راحت نکند! اما حوا آموخته بود که فیض خداست که در مصیبت‌ها او را بلند می‌کند. او یاد گرفته بود که فیض خدا در بحبوحه مسائل پیچیده زندگی و مصیبت‌ها، شکست‌ها و حتی گناهان راهی برای رهایی و نجات و محبت باز می‌کند.

معنی اسم شیث یعنی "عطا شده". حوا یاد گرفته بود که "عطای" خدا می‌تواند در بطن مشکلات و سختی‌ها و مصیبت‌ها او را تسلی دهد و باعث شود که به‌جای نگرستن بر گذشته به آینده‌ای که خدا عطا کرده چشم بدوزد.

باشند که زن و مرد امروزی بتوانند از فراز و نشیب‌های زندگی روحانی حوا درس‌ها بیاموزند و غفلت‌ها و قصوراتش نه تنها وسیله سقوط روحانی او نگردند بلکه اعتماد و توکل او را به‌کار خدا و فیض عظیم او بیش‌تر سازد.